

چگالی ی دُقطبی

mamwad@mailaps.org

محمد خرمی

رابطه ی چگالی ی دُقطبی ی الکتریکی با چگالی ی بار، و چگالی ی دُقطبی ی مغناطیسی با چگالی ی جریان بررسی میشود.

0 درآمد

در خیل ی از منابع، چگالی ی دُقطبی ی الکتریکی به شکل یک رابطه ی نقطه‌ای بر حسب چگالی ی بار داده میشود. اما دُقطبی ی مغناطیسی (ن چگالی ی دُقطبی ی مغناطیسی) به شکل یک رابطه ی انتگرالی بر حسب چگالی ی جریان داده میشود. بر عکس، این چگالی ی جریان است که به شکل یک رابطه ی نقطه‌ای بر حسب مشتق چگالی ی دُقطبی ی مغناطیسی داده میشود. اینجا هدف بررسی ی رابطه ی این چگالی-ی-دُقطبیها با چشمه‌ها یشان است.

همه ی رابطه‌ها بی که به شکل مئلفه ای نوشته شده اند، در پایه ی دِکرتی اند. البته رُشن است که نتایج حاصل از آنها وقت ی به شکل تانسری بیان شوند مستقل از پایه اند، یعنی استفاده از پایه ی دِکرتی از کلیت نتایج نمیکاهد.

همه چیز برا ی بُعد دلبخاه (و بزرگتر از یک، در مُرد دُقطبی ی مغناطیسی) است. به هم ین خاطر

ضرب خارجی به کار نرفته و به جا ی آن از تانسورها ی پادمتقارن استفاده شده.

1 دُقطبی ی الکتریکی

رابطه ی چگالی ی چندقطبیه ی الکتریکی با چگالی ی بار الکتریکی خطی و نقطه‌ای است. از جمله برای دُقطبی ی الکتریکی،

$$\mathbf{P}(\mathbf{r}) = \mathbf{r} \rho(\mathbf{r}), \quad (1)$$

که \mathbf{P} چگالی ی دُقطبی ی الکتریکی، ρ چگالی ی بار، و \mathbf{r} بردار مکان است. از این رابطه نتیجه میشود

$$\mathbf{p} = \int dV \mathbf{r} \rho(\mathbf{r}), \quad (2)$$

که \mathbf{p} دُقطبی ی الکتریکی ی کل است. بر عکس، میشود رابطه ی (2) را برای رسیدن به (1) به کار برد. تعریف میکنم

$$\mathbf{p}(\mathbb{V}) := \int_{\mathbb{V}} dV \mathbf{r} \rho(\mathbf{r}), \quad (3)$$

$$\mathbf{P}(\mathbf{r}) := \lim_{[\mathbb{V}(\mathbf{r})] \rightarrow 0} \frac{\mathbf{p}[\mathbb{V}(\mathbf{r})]}{V[\mathbb{V}(\mathbf{r})]}, \quad (4)$$

که $[\mathbb{V}(\mathbf{r})]$ ناحیه ای شامل \mathbf{r} است، $[V(\mathbb{V})]$ حجم ناحیه ی \mathbb{V} است، و $[\mathbb{V}(\mathbf{r})] \rightarrow 0$ به معنی ی آن است که همه ی ابعاد $[\mathbb{V}(\mathbf{r})]$ به صفر میگردید، یعنی قطر $[\mathbb{V}(\mathbf{r})]$ به صفر میگردید، ن این که فقط حجم $[\mathbb{V}(\mathbf{r})]$ به صفر بگردید. $[\mathbf{p}(\mathbb{V})]$ دُقطبی ی الکتریکی ی تزیع ی است که چگالی ی متناظر با آن درون \mathbb{V} هم ان ρ ، و بیرون \mathbb{V} صفر است، یعنی $[\mathbf{p}(\mathbb{V})]$ دُقطبی ی الکتریکی ی متناظر با چگالی ی $\rho_{\mathbb{V}}$ است، که

$$\rho_{\mathbb{V}}(\mathbf{r}) = \begin{cases} \rho(\mathbf{r}), & \mathbf{r} \in \mathbb{V} \\ 0, & \mathbf{r} \notin \mathbb{V} \end{cases}, \quad (5)$$

یا بسته‌تر

$$\rho_{\mathbb{V}} = \rho \Theta_{\mathbb{V}}, \quad (6)$$

که Θ_V تابع مشخصه ی ناحیه ی V است:

$$\Theta_V(\mathbf{r}) = \begin{cases} 1, & \mathbf{r} \in V \\ 0, & \mathbf{r} \notin V \end{cases} \quad (7)$$

از پیوسته گی ی جریان،

$$\nabla \cdot \mathbf{J} + \dot{\rho} = 0, \quad (8)$$

که \mathbf{J} چگالی ی جریان، و \dot{X} مشتق X نسبت به t (زمان) است، دیده میشود اگر جریان ی نباشد، بار هر ناحیه ای مستقل از زمان است. در این حالت این که چگالی ی بار بیرون یک ناحیه صفر شود بی آن که چگالی ی بار درون آن ناحیه دست بخورد علی الاصول شدنی است: هیچ پایسته گی بی به هم نمیریزد. پس دست - کم برا ی چنین حالت ی چگالی ی دقطنی ی الکتریکی مشاهده پذیر است.

یک حالت خاص هست که در آن رابطه ی چگالی ی بار با چگالی ی دقطنی ی الکتریکی دسوی است. یعنی ن تنها از روی چگالی ی بار میشود چگالی ی دقطنی ی الکتریکی را حساب کرد، بل که از روی چگالی ی دقطنی ی الکتریکی هم میشود چگالی ی بار را حساب کرد. این حالت ی است که بار هر ناحیه ای صفر است. یک تزیع نابدیهی متناظر با چنین حالت ی را نمیشود با فقط یک چگالی ی حجمی نشان داد علت این است که اگر انتگرال چگالی ی حجمی ی بار بر همه ی ناحیه ها صفر شود، آنگاه خد چگالی ی حجمی ی بار صفر میشود. پس بار هر ناحیه ی V را ناشی از د بخش میگیرم، یک بخش به خاطر ∂V (مرز V) و یک بخش به خاطر درون V . این یعنی

$$Q(V) = Q_s(V) + Q_b(\partial V), \quad (9)$$

که $Q_s(\partial V)$ بار ناشی از مرز V ، و $Q_b(V)$ بار ناشی از درون V است. V را یک چندوجهی ی کوچک میگیرم، که بردار مساحت وجه i اش S_i (عمود بر وجه به سوی بیرون V) است. رشن است که

$$\sum_i S_i = 0. \quad (10)$$

وقت ی V به صفر میگراید، $Q_b(V)$ مثل $V(V)$ یا سریعتر به صفر میگراید، که $V(V)$ حجم V است. پس اگر بنا باشد که $Q(V)$ صفر باشد، بخش ی از $Q_s(\partial V)$ که متناسب با توان اول مساحت

$\partial \mathbb{V}$ است باید صفر باشد:

$$\sum_i Q_s(S_i) = o[S(\partial \mathbb{V})], \quad (11)$$

که $S(S)$ مساحت S است، و به جای وجه i به عنوان متغیر Q_s بردار مساحت وجه i به کار رفته. این که اگر مجموع چند بردار صفر باشد مجموع اثر Q_s (در مرتبه ی غالب) بر آن بردارها هم صفر است، همراه با فرض پیوسته گی ی Q_s نتیجه میدهد Q_s تا مرتبه ی غالب نسبت به بردار مساحت خطی است، یعنی یک بردار ϖ هست که

$$Q_s(S) = \varpi \cdot S + o(S). \quad (12)$$

به این ترتیب،

$$\begin{aligned} Q_s(\partial \mathbb{V}) &= \oint_{\partial \mathbb{V}} dS \cdot \varpi(r), \\ &= \oint_{\partial \mathbb{V}} dS n \cdot \varpi(r), \end{aligned} \quad (13)$$

که n بردار یکه ی عمود بر سطح به سوی بیرون است. از این، همراه با این شرط که $Q(\mathbb{V})$ صفر باشد نتیجه میشود

$$\begin{aligned} Q_b(\partial \mathbb{V}) &= - \oint_{\partial \mathbb{V}} dS \cdot \varpi(r), \\ &= - \int_{\mathbb{V}} dV (\nabla \cdot \varpi)(r). \end{aligned} \quad (14)$$

از (13) و (14) نتیجه میشود بار متناظر با \mathbb{V} را میشود با یک چگالی ی سطحی ی بار و یک چگالی ی حجمی ی ساخت:

$$\sigma_n(r) = n \cdot \varpi(r). \quad (15)$$

$$\rho(r) = -(\nabla \cdot \varpi)(r). \quad (16)$$

σ چگالی ی سطحی و ρ چگالی ی حجمی است. نکته این که σ ن تنها به مکان بسته گی دارد، بل که به جهت سطح هم بسته گی دارد.

در این حالت برای دُقطبی الکتریکی نتیجه میشود

$$\begin{aligned} p(\mathbb{V}) &= \int_{\partial\mathbb{V}} [d\mathbf{S} \cdot \boldsymbol{\varpi}(\mathbf{r})] \mathbf{r} - \int_{\mathbb{V}} dV [(\nabla \cdot \boldsymbol{\varpi})(\mathbf{r})] \mathbf{r}, \\ &= \int_{\mathbb{V}} dV \left([(\nabla \cdot \boldsymbol{\varpi})(\mathbf{r})] \mathbf{r} + [\boldsymbol{\varpi}(\mathbf{r})] \cdot \nabla \mathbf{r} - \int_{\mathbb{V}} dV [(\nabla \cdot \boldsymbol{\varpi})(\mathbf{r})] \mathbf{r}, \right. \\ &= \int_{\mathbb{V}} dV \boldsymbol{\varpi}(\mathbf{r}), \end{aligned} \quad (17)$$

که نتیجه میدهد $\boldsymbol{\varpi}$ هم ان چگالی دُقطبی الکتریکی است:

$$\boldsymbol{\varpi} = \mathbf{P}. \quad (18)$$

یک راه برای ساختن تزیع ρ_0 که بار کلش بر هر حجم صفر باشد این است که یک تزیع دلخواه با چگالی ρ_0 ، با برداری (احتمالاً وابسته به مکان) انتقال داده شود. متناظر با میدان برداری \mathbf{a} ،

انتقال به اندازه \mathbf{a} را با $T_{\mathbf{a}}$ نشان میدهم:

$$T_{\mathbf{a}}(\mathbf{r}) := \mathbf{r} + \mathbf{a}(\mathbf{r}). \quad (19)$$

انتقال-یافته ρ_0 با \mathbf{a} میشود $(T_{\mathbf{a}})_* \rho_0$ ، که

$$\{[(T_{\mathbf{a}})_* \rho_0][\mathbf{r} + \mathbf{a}(\mathbf{r})]\} \left| \det \left[\frac{\partial(\mathbf{r} + \mathbf{a})}{\partial \mathbf{r}} \right] \right| = \rho_0(\mathbf{r}). \quad (20)$$

متناظر با میدان برداری \mathbf{b} تعریف میکنم

$$Q(s, \mathbb{V}) := \frac{1}{s} \left[\int_{T_{s\mathbf{b}}(\mathbb{V})} dV \{[(T_{s\mathbf{b}})_* \rho_0](\mathbf{r}) - \int_{\mathbb{V}} dV \rho_0(\mathbf{r})\} \right]. \quad (21)$$

از (20) دیده میشود

$$\begin{aligned} \rho_0(\mathbf{r}) &= [(T_{s\mathbf{b}})_* \rho_0](\mathbf{r}) \\ &+ s \{ \mathbf{b} \cdot \nabla [(T_{s\mathbf{b}})_* \rho_0] \}(\mathbf{r}) + s \{ [(T_{s\mathbf{b}})_* \rho_0] (\nabla \cdot \mathbf{b}) \}(\mathbf{r}) + o(s), \end{aligned} \quad (22)$$

یا

$$\begin{aligned} [(T_{s\mathbf{b}})_* \rho_0](\mathbf{r}) &= \rho_0(\mathbf{r}) - s (\mathbf{b} \cdot \nabla \rho_0)(\mathbf{r}) - s [\rho_0 (\nabla \cdot \mathbf{b})](\mathbf{r}) + o(s), \\ &= \rho_0(\mathbf{r}) - s [\nabla \cdot (\mathbf{b} \rho_0)](\mathbf{r}). \end{aligned} \quad (23)$$

به این ترتیب، با نمادگذاری

$$Q(0, \mathbb{V}) = \lim_{s \rightarrow 0} [Q(s, \mathbb{V})], \quad (24)$$

دیده میشود

$$\begin{aligned}
Q(0, \mathbb{V}) &= \lim_{s \rightarrow 0} \frac{1}{s} \left\{ \left[\int_{T_s \mathbf{b}(\mathbb{V})} - \int_{\mathbb{V}} \right] dV \rho_0(\mathbf{r}) \right\} - \int_{\mathbb{V}} dV [\nabla \cdot (\mathbf{b} \rho_0)](\mathbf{r}), \\
&= \oint_{\partial \mathbb{V}} dS \cdot (\mathbf{b} \rho_0)(\mathbf{r}) - \int_{\mathbb{V}} dV [\nabla \cdot (\mathbf{b} \rho_0)](\mathbf{r}). \quad (25)
\end{aligned}$$

دیده میشود این هم ان رابطه‌ها ی (13) و (14) است، با

$$\varpi = \mathbf{b} \rho_0. \quad (26)$$

2 دقطنی ی مغناطیسی

چگالی-ی-جریان متناظر با یک توزیع ایستا حالت خاص رابطه ی پیوسته گی ی (8) را برمیآورد:

$$\nabla \cdot \mathbf{J} = 0. \quad (27)$$

برای تعریف چگالی ی دقطنی ی الکتریکی میشود دقطنی ی الکتریکی ی یک ناحیه ی \mathbb{V} را بر حجم آن ناحیه تقسیم کرد. خارج-قسمت در حد \mathbb{V} به صفر چگالی ی دقطنی ی الکتریکی میشود. برای محاسبه ی دقطنی ی الکتریکی ی ناحیه ی \mathbb{V} هم میشود به جا ی چگالی-ی-بار ρ چگالی-ی-بار $\rho_{\mathbb{V}}$ را به کار برد، که با (6) به ρ مربوط میشود. اگر برای دقطنی ی مغناطیسی هم هم ین کار را بکنم، یعنی از روی چگالی-ی-جریان \mathbf{J} چگالی-ی-جریان $\mathbf{J}_{\mathbb{V}}$ را تعریف کنم که

$$\mathbf{J}_{\mathbb{V}} = \mathbf{J} \Theta_{\mathbb{V}}, \quad (28)$$

مشکل ی پیش میآید، این که در حالت کلی $\mathbf{J}_{\mathbb{V}}$ چگالی-ی-جریان هیچ توزیع ایستایی نیست، چون دیورژانس $\mathbf{J}_{\mathbb{V}}$ صفر نیست:

$$\nabla \cdot \mathbf{J}_{\mathbb{V}} = (\nabla \cdot \mathbf{J}) \Theta_{\mathbb{V}} + \mathbf{J} \cdot \nabla \Theta_{\mathbb{V}}. \quad (29)$$

متناظر با تابع ϕ ،

$$\begin{aligned}
\int dV [(\nabla \Theta_{\mathbb{V}})(\mathbf{r})] \phi(\mathbf{r}) &= - \int dV [\Theta_{\mathbb{V}}(\mathbf{r})] (\nabla \phi)(\mathbf{r}), \\
&= - \int_{\mathbb{V}} dV (\nabla \phi)(\mathbf{r}), \\
&= - \oint_{\partial \mathbb{V}} dS (\mathbf{n} \phi)(\mathbf{r}). \quad (30)
\end{aligned}$$

δ_S (چگالی ی مساحت برا ی S) را چنین تعریف میکنم.

$$\int dV \delta_S(\mathbf{r}) X(\mathbf{r}) = \int_S dS X(\mathbf{r}). \quad (31)$$

به این ترتیب،

$$\nabla \Theta_V = -\mathbf{n} \delta_{\partial V}. \quad (32)$$

از این و (27) و (29) نتیجه میشود

$$\nabla \cdot \mathbf{J}_V = -\mathbf{J} \cdot \mathbf{n} \delta_{\partial V}, \quad (33)$$

پس بر خلاف آن چه برا ی چگالی ی بار انجام شد، چگالی ی جریان بیرون یک ناحیه را نمیشود به ساده گی دور ریخت: در حالت کلی چگالی ی-جریان بریده رابطه ی پیوسته گی را بر نمیآورد. برا ی حل مشکل، جز این که جریان بیرون ∇ را دور میریزم یک جریان هم در مرز ∇ اضافه میکنم:

$$\begin{aligned} \tilde{\mathbf{J}}_V &= \mathbf{J}_V + \mathbf{K}_V \delta_{\partial V}, \\ &= \mathbf{J} \Theta_V + \mathbf{K}_V \delta_{\partial V}. \end{aligned} \quad (34)$$

\mathbf{K}_V چگالی ی یک جریان سطحی ست، و بنا ست چنان تعیین شود که دیورژانس $\tilde{\mathbf{J}}_V$ صفر شود. بر ∂V تعریف میکنم

$$\mathbf{D} := \nabla - \mathbf{n} (\mathbf{n} \cdot \nabla). \quad (35)$$

\mathbf{D} مشتقگیری مماس بر ∂V است، و روشن است که

$$\mathbf{n} \cdot \mathbf{D} = 0. \quad (36)$$

متناظر با تابع X ،

$$\begin{aligned}
\int dV [\nabla \cdot (\mathbf{K}_V \delta_{\partial V})](\mathbf{r}) X(\mathbf{r}) &= - \int dV [(\mathbf{K}_V \delta_{\partial V})(\mathbf{r})] \cdot (\nabla X)(\mathbf{r}) \\
&= - \int_{\partial V} dS (\mathbf{K}_V \cdot \nabla X)(\mathbf{r}), \\
&= - \int_{\partial V} dS \{[\mathbf{K}_V - \mathbf{n}(\mathbf{n} \cdot \mathbf{K}_V)] \cdot \nabla X\}(\mathbf{r}) \\
&\quad - \int_{\partial V} dS [(\mathbf{n} \cdot \mathbf{K}_V)(\mathbf{n} \cdot \nabla X)](\mathbf{r}), \\
&= - \int_{\partial V} dS \{[\mathbf{K}_V - \mathbf{n}(\mathbf{n} \cdot \mathbf{K}_V)] \cdot \mathbf{D} X\}(\mathbf{r}) \\
&\quad - \int_{\partial V} dS [(\mathbf{n} \cdot \mathbf{K}_V)(\mathbf{n} \cdot \nabla X)](\mathbf{r}). \quad (37)
\end{aligned}$$

از این که ∂V مرز ندارد، نتیجه میشود متناظر با میدان برداری \mathbf{F} که بر ∂V تعریف شده و در هر نقطه بر ∂V مماس است،

$$\int_{\partial V} dS (\mathbf{D} \cdot \mathbf{F})(\mathbf{r}) = 0. \quad (38)$$

به این ترتیب، با تعریف

$$\mathbf{K}_V^{\parallel} := \mathbf{K}_V - \mathbf{n}(\mathbf{n} \cdot \mathbf{K}_V), \quad (39)$$

دیده میشود

$$\int_{\partial V} dS (\mathbf{K}_V^{\parallel} \cdot \mathbf{D} X)(\mathbf{r}) = - \int_{\partial V} dS [(\mathbf{D} \cdot \mathbf{K}_V^{\parallel}) X](\mathbf{r}), \quad (40)$$

و از آنجا،

$$\begin{aligned}
\int dV [\nabla \cdot (\mathbf{K}_V \delta_{\partial V})](\mathbf{r}) X(\mathbf{r}) &= \int_{\partial V} dS [(\mathbf{D} \cdot \mathbf{K}_V^{\parallel}) X](\mathbf{r}) \\
&\quad - \int_{\partial V} dS [(\mathbf{n} \cdot \mathbf{K}_V)(\mathbf{n} \cdot \nabla X)](\mathbf{r}). \quad (41)
\end{aligned}$$

از این و (33) نتیجه میشود

$$\begin{aligned}
\int dV (\nabla \cdot \tilde{\mathbf{J}}_V)(\mathbf{r}) X(\mathbf{r}) &= \int_{\partial V} dS [(\mathbf{D} \cdot \mathbf{K}_V^{\parallel} - \mathbf{n} \cdot \mathbf{J})(\mathbf{r})] [X(\mathbf{r})] \\
&\quad - \int_{\partial V} dS [(\mathbf{n} \cdot \mathbf{K}_V)(\mathbf{r})] [(\nabla_{\perp} X)(\mathbf{r})]. \quad (42)
\end{aligned}$$

بر هر رویه، مقدارها ی X و $\nabla_{\perp} X$ مستقل از هم ند. پس شرط صفرشدن طرف راست رابطه ی بالا به ازای X ی دلخواه (که هم ان صفرشدن دیورژانس $\vec{J}_{\mathbb{V}}$ است) این است که دُجمله ی طرف راست تکتک به ازای X ی دلخواه صفر شوند:

$$\mathbf{n} \cdot \mathbf{K}_{\mathbb{V}} = 0. \quad (43)$$

$$D \cdot \mathbf{K}_{\mathbb{V}}^{\parallel} = \mathbf{n} \cdot \mathbf{J}. \quad (44)$$

با استفاده از (43)، رابطه ی (44) میشود

$$D \cdot \mathbf{K}_{\mathbb{V}} = \mathbf{n} \cdot \mathbf{J}. \quad (45)$$

$\mathbf{K}_{\mathbb{V}}$ متناظر با جریان ی مماس بر $\partial \mathbb{V}$ است، که مدار جریان ی که از $\partial \mathbb{V}$ بیرون میروند را میندد. از (27)، رابطه ی پیوسته گی برای \mathbf{J} ، همراه با فرض جایگزیده-بودن \mathbf{J} ، نتیجه میشود انتگرال \mathbb{W} بر کل فضا صفر است، مثلن فصل 5 از [1]. برای دیدن این، انتگرال \mathbf{J} را بر ناحیه ی \mathbb{W} حساب میکنم.

$$\begin{aligned} \int_{\mathbb{W}} dV J^j(\mathbf{r}) &= \int_{\mathbb{W}} dV \delta_i^j J^i(\mathbf{r}), \\ &= \int_{\mathbb{W}} dV (\nabla_i r^j) J^i(\mathbf{r}), \\ &= \oint_{\partial \mathbb{W}} dS r^j (\mathbf{n} \cdot \mathbf{J}(\mathbf{r})) - \int_{\mathbb{W}} dV r^j (\nabla \cdot \mathbf{J})(\mathbf{r}), \end{aligned} \quad (46)$$

جمله ی دوم طرف راست به خاطر (27) صفر است. جمله ی اول طرف راست، اگر \mathbb{W} به کل فضا بگراید و \mathbf{J} با سرعت کافی صفر شود (\mathbf{J} جایگزیده باشد) صفر میشود. به این ترتیب،

$$\int dV \mathbf{J}(\mathbf{r}) = 0. \quad (47)$$

هم شرط پیوسته گی را بر میآورد و جایگزیده است. پس

$$\int dV \mathbf{J}_{\mathbb{V}}(\mathbf{r}) = 0. \quad (48)$$

به این ترتیب،

$$\int_{\mathbb{V}} dV \mathbf{J}(\mathbf{r}) + \oint_{\partial \mathbb{V}} dS \mathbf{K}_{\mathbb{V}}(\mathbf{r}) = 0. \quad (49)$$

با استدلال ی مشابه با آن چه برای رسیدن به (12) به کار رفت، معلوم میشود انتگرال چگالی ی جریان سطحی بر یک سطح کوچک، تا مرتبه ی یک نسبت به آن سطح یک تابع خطی از بردار مساحت

است. به این ترتیب، یک تانسور \mathcal{M} (از رتبه ی 2) هست که

$$K_{\mathbb{V}}^j = n_i \mathcal{M}^{ij}. \quad (50)$$

\mathcal{M} به فقط مکان بسته گی دارد، تابع n نیست. از (43) نتیجه میشود

$$n_i n_j \mathcal{M}^{ij} = 0. \quad (51)$$

این رابطه به ازای همه ی بردارها ی یک ی n برقرار است، و \mathcal{M} مستقل از n است. از اینها نتیجه میشود \mathcal{M} پادمتقارن است:

$$\mathcal{M}^{ji} = -\mathcal{M}^{ij}. \quad (52)$$

با استفاده از (50)، رابطه ی (49) میشود

$$\int_{\mathbb{V}} dV [J^j(\mathbf{r}) + (\nabla_i \mathcal{M}^{ij})(\mathbf{r})] = 0. \quad (53)$$

این رابطه برای هر ناحیه ی \mathbb{V} درست است. پس انتگرالده صفر است:

$$\begin{aligned} J^j &= -\nabla_i \mathcal{M}^{ij}, \\ &= \nabla_i \mathcal{M}^{ji}. \end{aligned} \quad (54)$$

با $K_{\mathbb{V}}$ به شکل (50)، با یک \mathcal{M} پادمتقارن، (43) برآورده میشود. برای (45) هم،

$$\begin{aligned} D_j K_{\mathbb{V}}^j &= D_j (n_i \mathcal{M}^{ij}), \\ &= (D_j n_i) \mathcal{M}^{ij} + n_i D_j \mathcal{M}^{ij}. \end{aligned} \quad (55)$$

مشتق بردار یک ی عمود بر $\partial \mathbb{V}$ خمشی عارضی ی $\partial \mathbb{V}$ است:

$$D_j n_i = E_{ij}, \quad (56)$$

که E خمشی عارضی ی $\partial \mathbb{V}$ است، که متقارن است، مثلن فصل 5 از [2]. به این ترتیب، از پادمتقارن

\mathcal{M} نتیجه میشود

$$(D_j n_i) \mathcal{M}^{ij} = 0. \quad (57)$$

همچنین،

$$\begin{aligned} n_i D_j \mathcal{M}^{ij} &= n_i \nabla_j \mathcal{M}^{ij}, \\ &= n_i J^j, \end{aligned} \quad (58)$$

که در برابری اول (51)، و در برابری دوم (54) به کار رفته. به این ترتیب (55) میشود

$$D_j K_{\mathbb{V}}^j = n_i J^i, \quad (59)$$

که هم ان (45) است.

به این ترتیب متناظر با هر تانسور پادمتقارن \mathcal{M} از رتبه ی 2، که (54) را برآورد، یک جریان سطحی به شکل (50) هست که (43) و (45) را بر میآورد، یعنی جریان ی که از $\partial \mathbb{V}$ بیرون میروند را میندد. بر عکس هر جریان سطحی بی که جریان بیرون-رونده از $\partial \mathbb{V}$ را ببندد را میشود به شکل (50) نوشت، که \mathcal{M} پادمتقارن است و (54) را بر میآورد. البته رشن است که \mathcal{M} ی که پادمتقارن باشد و (54) را برآورد یکتا نیست. اگر \mathcal{A} یک تانسور پادمتقارن (از رتبه ی 3) باشد،

$$\nabla_j (\nabla_k \mathcal{A}^{i j k}) = 0. \quad (60)$$

پس با

$$\mathcal{M}'^{i j} := \mathcal{M}^{i j} + \nabla_k \mathcal{A}^{i j k}, \quad (61)$$

رابطه ی (54) هم ارز است با

$$\nabla_j \mathcal{M}'^{i j} = J^i \quad (62)$$

و البته رشن است که \mathcal{M}' هم پادمتقارن است.

دقتی ی مغناطیسی ی یک تریع جریان را با m نشان میدهم. m یک تانسور پادمتقارن است که چنین تعریف میشود

$$m^{i j} = \frac{1}{2} \int dV [r^i J^j(\mathbf{r}) - r^j J^i(\mathbf{r})], \quad (63)$$

چگالی ی دقتی ی مغناطیسی را خارج - قسمت $m_{\mathbb{V}}$ (دقتی ی مغناطیسی ی متناظر با $\mathbf{J}_{\mathbb{V}}$) بر

$V(\mathbb{V})$ در حد \mathbb{V} به صفر تعریف میکنم، مشابه با تعریف چگالی یِ دُقطبی الکتریکی.

$$\begin{aligned}
m_{\mathbb{V}}^{ij} &= \frac{1}{2} \left\{ \int_{\mathbb{V}} dV [r^i J^j(\mathbf{r}) - r^j J^i(\mathbf{r})] + \oint_{\partial\mathbb{V}} dS [r^i K_{\mathbb{V}}^j(\mathbf{r}) - r^j K_{\mathbb{V}}^i(\mathbf{r})] \right\}, \\
&= \frac{1}{2} \left\{ \int_{\mathbb{V}} dV [r^i (\nabla_k \mathcal{M}^{jk})(\mathbf{r}) - r^j (\nabla_k \mathcal{M}^{ik})(\mathbf{r})] \right. \\
&\quad \left. + \oint_{\partial\mathbb{V}} dS [r^i (n_k \mathcal{M}^{kj})(\mathbf{r}) - r^j (n_k \mathcal{M}^{ki})(\mathbf{r})] \right\}, \\
&= \frac{1}{2} \left\{ \int_{\mathbb{V}} dV \nabla_k [r^i \mathcal{M}^{jk}(\mathbf{r}) - r^j \mathcal{M}^{ik}(\mathbf{r})] \right. \\
&\quad - \int_{\mathbb{V}} dV [(\nabla_k r^i) \mathcal{M}^{jk}(\mathbf{r}) - (\nabla_k r^j) \mathcal{M}^{ik}(\mathbf{r})] \\
&\quad \left. + \int_{\mathbb{V}} dV \nabla_k [r^i \mathcal{M}^{kj}(\mathbf{r}) - r^j \mathcal{M}^{ki}(\mathbf{r})] \right\}, \tag{64}
\end{aligned}$$

که نتیجه میدهد

$$m_{\mathbb{V}}^{ij} = \int_{\mathbb{V}} dV \mathcal{M}^{ij}(\mathbf{r}). \tag{65}$$

چگالی یِ دُقطبی یِ مغناطیسی را با M نشان میدهم. به این ترتیب،

$$M^{ij} = \mathcal{M}^{ij}. \tag{66}$$

از این که \mathcal{M} ی که پادمتقارن باشد و (54) را برآورد یکتا نیست، دیده میشود چگالی یِ دُقطبی یِ مغناطیسی یکتا نیست. البته یکتانبودن چگالی یِ دُقطبی یِ مغناطیسی را به یکتانبودن $K_{\mathbb{V}}$ ، چگالی یِ جریان سطحی که برای بستن $\mathcal{J}_{\mathbb{V}}$ لازم است، هم میشود نسبت داد.

تعریف میکنم

$$(R^i F)(\mathbf{r}) := r^i F(\mathbf{r}). \tag{67}$$

از رابطه ی (63) ممکن است چنین برداشت شود که \tilde{M} با

$$\tilde{M}^{ij} = \frac{1}{2} (R^i J^j - R^j J^i), \tag{68}$$

چگالی یِ دُقطبی یِ مغناطیسی است (میتواند چگالی یِ دُقطبی یِ مغناطیسی باشد). اما این \tilde{M} لزومن

مانسته ی (54) را بر نمیاورد:

$$\begin{aligned}\nabla_j \tilde{M}^{ij} &= \frac{1}{2} (\delta_j^i J^j - \delta_j^j J^i) + \frac{1}{2} (R^i \nabla_j J^j - R^j \nabla_j J^i), \\ &= \frac{1-\nu}{2} J^i + \frac{1}{2} R^i \nabla \cdot \mathbf{J} - \frac{1}{2} \mathbf{R} \cdot \nabla J^i, \\ &= \frac{1-\nu}{2} J^i - \frac{1}{2} \mathbf{R} \cdot \nabla J^i,\end{aligned}\quad (69)$$

که ν بُعد فضا ست، و این به کار رفته که دیورژانس \mathbf{J} صفر است. حتا اگر در نقطه ای (یا ناحیه ای) مشتق \mathbf{J} صفر باشد هم \tilde{M} در آن نقطه (یا ناحیه) چگالی ی دُقطبی ی مغناطیسی نیست. در واقع از (69) دیده میشود اگر در یک ناحیه مشتق \mathbf{J} صفر باشد، یک انتخاب برا ی چگالی ی دُقطبی ی مغناطیسی

$$M^{ij} = \frac{1}{1-\nu} (R^i J^j - R^j J^i) \quad (70)$$

است.

حالت خاص ی را میگیریم که جریان بر حجم ∇ ثابت است، و بیرون این حجم صفر است. البته این جریان حجمی ی ثابت یک جریان سطحی لازم دارد تا بسته شود. چگالی ی جریان سطحی را مثل (50) میگیریم، که M هم ان M است، و M هم از (70) به دست میآید. با تعریف m_s با

$$m_s^{ij} := \frac{1}{2} \oint_{\partial \nabla} dS [r^i K_{\nabla}^j(\mathbf{r}) - r^j K_{\nabla}^i(\mathbf{r})], \quad (71)$$

دیده میشود

$$\begin{aligned}m_s^{ij} &= \frac{1}{2} \oint_{\partial \nabla} dS \left\{ r^i \left[\frac{n_k (R^k J^j - R^j J^k)(\mathbf{r})}{1-\nu} \right] - r^j \left[\frac{n_k (R^k J^i - R^i J^k)(\mathbf{r})}{1-\nu} \right] \right\}, \\ &= \frac{1}{2(1-\nu)} \oint_{\partial \nabla} dS n_k [R^k (R^i J^j - R^j J^i)](\mathbf{r}), \\ &= \frac{1}{2(1-\nu)} \int_{\nabla} dV \{ \nabla_k [R^k (R^i J^j - R^j J^i)] \}(\mathbf{r}), \\ &= \frac{1}{2(1-\nu)} \int_{\nabla} dV [(\delta_k^i R^k + \delta_k^i R^k) J^j - (\delta_k^j R^k + \delta_k^j R^k) J^i](\mathbf{r}), \\ &= \frac{1+\nu}{2(1-\nu)} \int_{\nabla} dV (R^i J^j - R^j J^i)(\mathbf{r}).\end{aligned}\quad (72)$$

پس،

$$\begin{aligned}
 m^{ij} &= \frac{1}{2} \int_{\mathbb{V}} dV (R^i J^j - R^j J^i)(\mathbf{r}) + m_s^{ij} \\
 &= \left[\frac{1}{2} + \frac{1+\nu}{2(1-\nu)} \right] \int_{\mathbb{V}} dV (R^i J^j - R^j J^i)(\mathbf{r}), \quad (73)
 \end{aligned}$$

که نتیجه میدهد

$$m^{ij} = \int_{\mathbb{V}} dV \frac{(R^i J^j - R^j J^i)(\mathbf{r})}{1-\nu}. \quad (74)$$

دیده میشود (چنان که انتظار میرفت) که این دُقطبی ی مغناطیسی با انتخاب (70) سازگار است.

3 یک جواب خاص برای چگالی ی دُقطبی ی مغناطیسی

متناظر با چگالی ی-جریان J ، تانسور M_0 را چنین تعریف میکنم.

$$M_0^{ij} := \frac{1}{1-\nu} (R^i J^j - R^j J^i). \quad (75)$$

M_0 ویژه گیها ی چگالی ی دُقطبی ی مغناطیسی را میداشت، اگر J ثابت میبود. M_0 پادمتقارن هست،

اما در حالت کلی (که J ثابت نیست) مانسته ی (62) را بر نمیآورد:

$$\nabla_j M_0^{ij} = J^i - \frac{1}{1-\nu} \mathbf{R} \cdot \nabla J^i, \quad (76)$$

که این به کار رفته که دیورژانس J صفر است. تعریف میکنم

$$\mathbf{J}_1 := \frac{\mathbf{R} \cdot \nabla}{1-\nu} \mathbf{J}. \quad (77)$$

دیده میشود

$$\begin{aligned}
 \nabla \cdot \mathbf{J}_1 &= \frac{1}{1-\nu} \nabla_i \mathbf{R} \cdot \nabla J^i, \\
 &= \frac{1}{1-\nu} [\nabla \cdot \mathbf{J} + \mathbf{R} \cdot \nabla (\nabla \cdot \mathbf{J})]. \quad (78)
 \end{aligned}$$

پس چون دیورژانس J صفر است،

$$\nabla \cdot \mathbf{J}_1 = 0. \quad (79)$$

مشابه با (75)، تعریف میکنم

$$M_1^{ij} := \frac{1}{1-\nu} (R^i J_1^j - R^j J_1^i), \quad (80)$$

و چون دیورژانس J_1 صفر است، مشابه با (76) نتیجه میشود

$$\nabla_j M_1^{ij} = J_1^i - \frac{1}{1-\nu} \mathbf{R} \cdot \nabla J_1^i, \quad (81)$$

به این ترتیب،

$$\nabla_j (M_0 + M_1)^{ij} = J^i - \frac{1}{1-\nu} \mathbf{R} \cdot \nabla J_1^i. \quad (82)$$

ادامه میدهم. تعریف میکنم

$$\mathbf{J}_0 := \mathbf{J}. \quad (83)$$

$$\mathbf{J}_{\alpha+1} := \frac{\mathbf{R} \cdot \nabla}{1-\nu} \mathbf{J}_\alpha. \quad (84)$$

$$M_\alpha^{ij} := \frac{R^i J_\alpha^j - R^j J_\alpha^i}{1-\nu}. \quad (85)$$

با یک استقرا ی ساده نتیجه میشود

$$\nabla \cdot \mathbf{J}_\alpha = 0. \quad (86)$$

از این هم، مشابه با آن چه برای رسیدن به (76) به کار رفت، نتیجه میشود

$$\nabla_j M_\alpha^{ij} = J_\alpha^i - J_{\alpha+1}^i. \quad (87)$$

به این ترتیب،

$$\nabla_j \sum_{\alpha=0}^{\beta} M_\alpha^{ij} = J^i - J_{\beta+1}^i. \quad (88)$$

پس با

$$M = \sum_{\alpha=0}^{\infty} M_\alpha, \quad (89)$$

به شرط این که این سری همگرا باشد، و بشود جمله-به-جمله از آن مشتق گرفت، و

$$\lim_{\alpha \rightarrow \infty} \mathbf{J}_\alpha = 0, \quad (90)$$

M ویژه گیهای چگالی ی دقطنی ی را دارد:

$$\nabla_j M^{ij} = J^i. \quad (91)$$

(به ساده گی دیده میشود M پادمتقارن هم هست.) دیده میشود

$$M^{ij} = \frac{1}{1-\nu} (R^i \mathcal{J}^j - R^j \mathcal{J}^i), \quad (92)$$

که

$$\begin{aligned}\mathcal{J} &= \sum_{\alpha=0}^{\infty} \mathcal{J}_{\alpha}, \\ &= \sum_{\alpha=0}^{\infty} \left(\frac{\mathbf{R} \cdot \nabla}{1-\nu} \right)^{\alpha} \mathcal{J}.\end{aligned}\quad (93)$$

از این رابطه نتیجه میشود

$$\mathcal{J} = \left(1 - \frac{\mathbf{R} \cdot \nabla}{1-\nu} \right)^{-1} \mathcal{J}, \quad (94)$$

یا

$$\left(1 - \frac{\mathbf{R} \cdot \nabla}{1-\nu} \right) \mathcal{J} = \mathcal{J}, \quad (95)$$

که یک معادله ی دیفرانسیل برای \mathcal{J} است. ضمن آن از (86) و برابری ی اول در (93) دیده میشود

$$\nabla \cdot \mathcal{J} = 0. \quad (96)$$

معادله ی (95) برای \mathcal{J} با جمع-زدن یک سری به دست آمد. میشد از (92) شروع کرد و با این شرط که M رابطه ی (91) را برآورد به معادله ی (95) برای \mathcal{J} رسید. از (92)، مشابه با آنچه برای

رسیدن به (69) به کار رفت، نتیجه میشود

$$\nabla_j M^{ij} = \mathcal{J}^i + \frac{1}{1-\nu} R^i \nabla \cdot \mathcal{J} - \frac{1}{1-\nu} \mathbf{R} \cdot \nabla \mathcal{J}^i. \quad (97)$$

به این ترتیب، از (91) نتیجه میشود

$$\left(1 - \frac{\mathbf{R} \cdot \nabla}{1-\nu} \right) \mathcal{J} + \frac{\mathbf{R}}{1-\nu} \nabla \cdot \mathcal{J} = \mathcal{J}. \quad (98)$$

این معادله هم ان (95) میشود، اگر (96) برقرار باشد، یعنی دیورژانس \mathcal{J} صفر باشد. نشان میدهممیشود دیورژانس \mathcal{J} را صفر کرد. میگیریم

$$\mathcal{J}' = \mathcal{J} + \mathbf{R} \Lambda, \quad (99)$$

که Λ یک تابع دلخواه است. دیده میشود در (92) اگر \mathcal{J}' به جای \mathcal{J} نشانده شود، M عوض نمیشود.از این آزادی استفاده میکنم و Λ را چنان تعیین میکنم که دیورژانس \mathcal{J}' صفر شود:

$$\nabla \cdot \mathcal{J}' = \nabla \cdot \mathcal{J} + (\nu + \mathbf{R} \cdot \nabla) \Lambda, \quad (100)$$

که نتیجه میدهد شرط صفرشدن دیورژانس \mathcal{J}' این است.

$$(\nu + \mathbf{R} \cdot \nabla) \Lambda = -\nabla \cdot \mathcal{J}. \quad (101)$$

به این ترتیب، صفرشدن دیورژانس \mathcal{J} را میشود اعمال کرد. این به کار رفته که $(\nu + \mathbf{R} \cdot \nabla)$ وارونپذیر است. در این صورت (98) هم ان (95) میشود.
مستقیم هم دیده میشود

$$\begin{aligned} \nabla \cdot \left(1 - \frac{\mathbf{R} \cdot \nabla}{1 - \nu}\right) \mathcal{J} &= \left(1 - \frac{1}{1 - \nu} - \frac{\mathbf{R} \cdot \nabla}{1 - \nu}\right) \nabla \cdot \mathcal{J}, \\ &= -\frac{\nu + \mathbf{R} \cdot \nabla}{1 - \nu} \nabla \cdot \mathcal{J}. \end{aligned} \quad (102)$$

پس اگر (95) برقرار باشد و دیورژانس \mathcal{J} صفر باشد، دیورژانس \mathbf{J} هم صفر است. و برعکس، اگر (95) برقرار باشد و دیورژانس \mathbf{J} صفر باشد، دیورژانس \mathcal{J} هم صفر است، باز بر اساس این که $(\nu + \mathbf{R} \cdot \nabla)$ وارونپذیر است.

به این ترتیب، یک جواب برای چگالی دقطنی ی مغناطیسی بر حسب چگالی ی جریان به شکل (92) است، که در آن \mathcal{J} از (94) به دست میآید، یا (95) را بر میآورد. با فرض این که سری ی تیلر \mathbf{J} به \mathbf{J} همگراست،

$$\mathbf{J}(\mathbf{r}) = \sum_{\alpha=0}^{\infty} \mathbf{J}_{i_1 \dots i_\alpha} r^{i_1} \dots r^{i_\alpha}, \quad (103)$$

که $\mathbf{J}_{i_1 \dots i_\alpha}$ ها ثابت ند، برای \mathcal{J} نتیجه میشود

$$\mathcal{J}(\mathbf{r}) = \sum_{\alpha=0}^{\infty} \left(1 - \frac{\alpha}{1 - \nu}\right)^{-1} \mathbf{J}_{i_1 \dots i_\alpha} r^{i_1} \dots r^{i_\alpha}. \quad (104)$$

4 پانوشتها

- [1] John David Jackson; "classical electrodynamics", 3rd edition (John Wiley & Sons, 1998)
- [2] Barrett O'Neill; "elementary differential geometry", (Academic Press, 1996)